



# اخلاق پژوهش در کلاس درس

حسین شیخ رضایی

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

پزشکی و مهندسی و پژوهش تا رستوران و شبکه‌های اجتماعی چنین گسترش یافته است. کجا باید «اخلاقی بود»؟ شاید پاسخ بسیار کوتاه آن باشد که هر کجا امکان تصمیم‌گیری و برگزیدن یک راه در مقابل راهی دیگر وجود داشته باشد. هر جا بتوان کاری را انجام داد، در حالی که انجام ندادن آن هم ممکن است، یا هر جا بتوان کاری را انجام نداد، در حالی که انجام دادن آن هم ممکن است، اخلاقی بودن معنادار می‌شود. بعضی از انتخاب‌های ما می‌تواند اخلاقی و بعضی دیگر غیراخلاقی یا حتی ضداخلاقی باشد. پس، هر جا «اختیار» در بین است، پای اخلاق هم به میان می‌آید، و چون بسیاری از کارهای ما در زندگی انتخابی و اختیاری است، آن کارها می‌تواند مورد داوری اخلاقی هم قرار گیرد. «علم اخلاق» هم که شاخه‌ای از فلسفه است و از زمان سقراط و افلاطون و ارسطو در یونان باستان مورد توجه بوده، در واقع می‌خواهد به این سؤال پاسخ دهد که کدام انتخاب‌ها اخلاقی است و کدام‌ها غیراخلاقی و ضداخلاقی. پس، لازم است در این علم ابتدا خوبی و بدی (یا درستی و نادرستی) تعریف شود و بعد، این

«اخلاقی بودن» چه جور چیزی است؟ شاید با شنیدن این اصطلاح ذهن بسیاری از ما به سمت چیزهایی مثل «با ادب بودن»، «محترم بودن»، «با معرفت بودن» یا «فداکار بودن» برود. از این بدتر، وضعیت اصطلاح «تربیت اخلاقی» است. این اصطلاح که فراوان از زبان معلمان، مدیران، ناظران و تصمیم‌گیرندگان سیاسی و اجتماعی در صحبت‌ها و کتاب‌ها و نطق‌ها شنیده می‌شود، اکنون به کلیشه تبدیل شده است. در بیشتر موارد، «تربیت اخلاقی» نسل آینده یعنی بار آوردن نسلی حرف‌گوش‌کن، نصیحت‌شنو و آرام و منضبط و در یک کلام، نسلی که در دوسری برای نسل پیش از خود فراهم نکند. متأسفانه واژه «اخلاق» و دیگر هم‌خانواده‌های آن در زبان فارسی بار معنایی چندان جذابی ندارد و بیشتر «ادب»، «احترام» و «انضباط» را به ذهن متبادر می‌کند. همین نکته سبب می‌شود ما فارسی‌زبانان در درک اهمیت موضوع اخلاق در جهان معاصر ناکام بمانیم و نفهمیم چرا در دهه‌ها و سال‌های اخیر بحث‌های مربوط به اخلاق در همه جا، از مدرسه و دانشگاه و بیمارستان تا دادگاه و فضای مجازی، و در همه حوزه‌ها، از



می‌شود که انجام دادن این آزمایش‌ها در چه شرایطی مجاز است و برای انجام دادن آن‌ها چه مواردی را باید رعایت کرد. معلمان نیز می‌توانند در کلاس‌های درس خود هر گاه صحبت از آزمایش روی حیوانات برای پیشبرد علم مطرح می‌شود، با طرح سؤال‌هایی توجه دانش‌آموزان را به ابعاد اخلاقی انجام آزمایش روی حیوانات جلب کنند. مثلاً می‌دانیم که کشف داروهای مؤثر برای بیماری‌های خاص، مانند سرطان، در بسیاری موارد مستلزم انجام دادن آزمایش‌هایی روی موش‌هاست. دانش‌آموزان ممکن است در مورد درستی یا نادرستی چنین کاری نظرات مختلفی داشته باشند. یکی از راه‌های متداول برای بحث درباره موضوعات اخلاقی این است که از دانش‌آموزان بخواهیم به نفع یا به ضرر موضوعی، مانند آزمایش روی حیوانات، موضع بگیرند و سپس برای موضع خود استدلال بیاورند. همچنین، مهم است که در بحث درباره موضوعات اخلاقی به این نکته توجه کنیم که در دنیای واقعی پاسخ‌های قطعی و سیاه و سفید وجود ندارد. در بسیاری موارد، برای حل مشکل اخلاقی باید راه میانه را در پیش گرفت و از راه‌حل‌های جزئی دور شد. برای نمونه، در موضوع آزمایش روی حیوانات، میان دو موضع «نادرستی مطلق هر گونه آزمایش» و «درستی مطلق هر گونه آزمایش»، انواع راه‌حل‌های میانه وجود دارد که می‌توان آن‌ها را انتخاب کرد؛ مانند این موضع که «انجام دادن دسته‌ای از آزمایش‌ها مجاز و انجام دادن دسته‌ای دیگر غیر مجاز است.» نکته مهم دیگر این است که در بحث‌های اخلاقی، طرف‌داران یک نظر از پیش تعهد نداشته‌اند که از آن نظر در هر شرایطی و به هر قیمتی دفاع کنند و تنها در نظرات رقیب خود، نکات منفی و ناروا بیابند. همه شرکت‌کنندگان مجاز به اصلاح یا حتی تغییر نظراتشان، در پی شنیدن دلایل تازه، هستند. معلم تسهیلگر باید به استدلال‌های تازه اهمیت دهد و سعی کند تا آنجا که ممکن است، رسیدن به توافقی عمومی را ارزشمند بداند؛ اگر چه این به معنای نادیده گرفتن حق مخالفت با اجماع

مسئله مورد بحث قرار گیرد که با چه ملاک‌هایی می‌توان در موقعیت‌های مختلف زندگی (از قبیل همان موقعیت‌هایی که چندتایی از آن‌ها را مثال زدیم) تشخیص داد که کدام انتخاب ما درست/خوب است و کدام نیست.

با این تعریف، قابل انتظار است که شاهد وجود شاخه‌های مختلفی در رشته اخلاق باشیم؛ شاخه‌هایی که در هر کدام از آن‌ها درستی و نادرستی انتخاب‌های ما در یک حوزه خاص از زندگی حرفه‌ای، شخصی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد: اخلاق پزشکی، اخلاق مهندسی، اخلاق مصرف مواد غذایی، اخلاق جنگ، اخلاق فضای مجازی، اخلاق تدریس، اخلاق رأی دادن، اخلاق مشارکت اجتماعی، اخلاق ورزش، اخلاق کسب و کار، اخلاق زیست فناوری، اخلاق نشر، اخلاق بخش خصوصی، اخلاق روابط میان فردی و ... جالب است که همه این شاخه‌ها اکنون بسیار پرطرفدار و داغ‌اند و فعالان می‌کوشند این مباحث را به نحوی وارد مدارس و نظام‌های آموزش و پرورش نیز بکنند و به این ترتیب در معنایی واقعی، نسلی اخلاقی‌تر بار آورند.

یکی از این شاخه‌های اخلاق کاربردی «اخلاق پژوهش» است که در آن بیشتر بر پژوهش علمی و ملاحظات اخلاقی مربوط به پژوهش تأکید می‌شود. از آنجا که دانش‌آموزان در زمان تحصیل خود به شکل‌های گوناگون درگیر پژوهش علمی‌اند و بسیاری از آن‌ها در آینده دانشمندان کشور خواهند بود و پژوهش‌های علمی در سطوح دانشگاهی، صنعتی و نظامی را پیش خواهند برد، لازم است در مدارس با اصول اولیه اخلاق پژوهش آشنا شوند و در مراحل مختلف تحصیل، به کار بردن آن‌ها را در عمل تمرین کنند.

در تعریفی کلی، اخلاق پژوهش را اخلاق مربوط به طراحی، انجام و انتشار نتایج هر گونه پژوهش علمی می‌دانند؛ اما چگونه ممکن است انجام پژوهش علمی نیازمند در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی باشد؟ مگر دانشمندان خود روش کارشان را بلد نیستند و بهتر از هر کسی نمی‌دانند چگونه باید پژوهشی علمی را پیش ببرند؟ پس، نقش اخلاق در این میان چیست؟ شاید بهترین راه پاسخ دادن به این سؤال‌ها ذکر مسائلی باشد که در اخلاق پژوهش به آن‌ها پرداخته می‌شود؛ مسائلی که نشان می‌دهد دانشمندان هر قدر هم در کار تخصصی خود وارد و کاردان باشند، باز هم به در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی، علاوه بر ملاحظات علمی، نیازمندند.

نخستین مورد، به انجام آزمایش‌های علمی بر روی انسان‌ها و دیگر حیوانات مربوط است. بسیاری از تحقیقات و پژوهش‌های علمی نیازمند انجام دادن آزمایش‌هایی روی انسان‌ها یا دیگر موجودات زنده است. در اخلاق پژوهش، این مسئله بررسی

**یکی از راه‌های متداول برای بحث درباره موضوعات اخلاقی این است که از دانش‌آموزان بخواهیم به نفع یا به ضرر موضوعی، مانند آزمایش روی حیوانات، موضع بگیرند و سپس برای موضع خود دلیل بیاورند**

عمومی نیست. در بحث از درستی/ نادرستی انجام دادن آزمایش روی حیوانات، معلم می‌تواند پرسش‌های زیر را مطرح کند. تا دست‌مایه بحث قرار گیرد: آیا اگر انجام دادن آزمایشی روی حیوانات مستلزم هیچ ضرری به آن‌ها نباشد، چنین آزمایشی نادرست است؟ آیا اگر انجام دادن آزمایشی بر روی حیوانات مستلزم ضرر کمی به آن‌ها باشد، چنین آزمایشی نادرست است؟ آیا اگر انجام دادن آزمایشی بر روی حیوانات مستلزم ضرر زیادی به آن‌ها باشد، چنین آزمایشی نادرست است؟ آیا اگر انجام دادن آزمایشی که در پرسش قبل مطرح شد منجر به حفظ زندگی بسیاری از انسان‌ها شود، پاسخ شما تفاوت خواهد کرد؟ آیا اگر انجام دادن آزمایشی که در پرسش سوم مطرح شد منجر به حفظ زندگی بسیاری از حیوانات شود، پاسخ شما تفاوت خواهد کرد؟ به نظر شما، تحت چه شرایطی انجام دادن آزمایش روی انسان‌ها مجاز است؟ (برای آشنایی بیشتر با اخلاق علم و موضوع انجام آزمایش بر روی حیوانات و داستان‌هایی برای طرح این موضوع در کلاس درس نگاه کنید به فصل هفتم از این کتاب: علم‌ورزی در حلقه کندوکاو شیخ رضایی، حسین (۱۳۹۴).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مورد دیگر تقلب علمی است. یکی از پدیده‌هایی که این روزها در ایران و جهان، در سطح مدارس و دانشگاه‌ها و تحقیقات صنعتی و ملی مسئله‌ساز

شده، تقلب‌های علمی است. استفاده از نتایج تحقیقات دیگران بدون ذکر نام آنان، دست بردن در داده‌ها و داده‌سازی، مخفی کردن بخش‌هایی از نتایج پژوهش و ... نمونه‌هایی از کج‌رفتاری در پژوهش علمی است که نیازمند بررسی‌های اخلاقی است. یکی از راهکارهای بسیار ساده‌ای که معلمان همه دروس در همه مقاطع می‌توانند در این مورد در پیش گیرند، طرح مسئله تقلب علمی و دعوت از دانش‌آموزان برای بحث آزاد درباره این مسئله است. همه ما می‌دانیم که استفاده از مطالب دیگران بدون ذکر نام آنان (به خصوص که اکنون بسیاری مطالب از طریق اینترنت نیز در اختیار است) اکنون به سنتی جا افتاده در مدارس و دانشگاه‌ها تبدیل شده

است. می‌توان در بحثی آزاد از دانش‌آموزان خواست نظرشان را بدون تحمیل نظری از جانب معلم، درباره این سؤالات بگویند و بعد درباره این سؤالات با هم به بحثی جمعی بپردازند: انگیزه افرادی که ممکن است چنین کاری را انجام دهند، چیست (نوع شخصیت آنان، فشار کاری، احساس ناعدالتی در محیط تحصیل و کار، تنبلی یا ...)? آیا این انگیزه‌ها همیشه منفی و مذبوم است؟ اصولاً به چه دلیل استفاده از مطالب دیگران بدون ذکر نام آنان «نادرست» است؟ این کار ممکن است چه زبانی برای چه کسانی داشته باشد؟ مگر علم به همه تعلق ندارد؛ پس چرا باید به استفاده بدون نام از مطالب دیگران حساسیت نشان داد؟ راه‌های جلوگیری از تقلب‌های علمی در مدرسه یا در جامعه علمی چیست؟ اگر کسی متوجه شود که دوست یا همکارش چنین کاری انجام داده است، واکنش درست او در برابر چنین فردی چیست؟ آیا باید موضوع را علنی کرد؟ آیا باید موضوع را فقط به خود فرد متقلب گفت؟ آیا «لو دادن» تقلب دیگران کاری غیراخلاقی است؟ ...

بدیهی است که لازم نیست معلمان پاسخ‌هایی کامل و آماده برای تمامی پرسش‌های بالا داشته باشند و این پاسخ‌های درست را در قالب درسی به دانش‌آموزان تعلیم دهند و سپس برای کسب اطمینان از درک درست دانش‌آموزان از آن‌ها امتحان بگیرند. مهم این است که دانش‌آموزان در جریان بحثی آزاد، خود درباره این مسائل اخلاقی بیندیشند و در فرایند بحث با دیگران بکوشند استدلال‌های خویش را دقیق‌تر بیان کنند و در برابر مخالفت‌های احتمالی دوستانشان از نظر خود دفاع کنند. نکته مهم، حساس کردن آنان نسبت به مقولات اخلاقی است، نه دادن مجموعه‌ای از باید‌ها و نبایدها به آنان.

**مگر علم به همه تعلق ندارد؛ پس چرا باید به استفاده بدون نام از مطالب دیگران حساسیت نشان داد؟**

